

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه اتراب (جله چهارم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۱۰۵/۱۰/۱۷

- برای سلامتی خودتان و عاقبت بخیری همه و رفع انواع شرور، صلواتی ختم بفرمایید.
- برای اینکه ان شاء الله همه دعاهاى ما استجابت شود و اگر دعا کردن هم بلد نیستیم بیاموزیم، صلواتی ختم بفرمایید.

### نگاهی به حکومت دینی

در جمع بندی که از آیات تا به اینجا داشته ایم خداوند با وجود انبیاء فضای جامعه را به سمت حاکمیت دینی می برد. حاکمیت دین را در جبین همه انبیاء دیده است و کاری کرده است که حکومت دینی تشکیل شود.

چند نکته که به آن اشاره شد:

۱. تصور عموم حداکثری ما این است که در زمان حکومت پیامبر مشکلات حکومتی وجود نداشته است و این مشکلات مربوط به زمان ما است. در صورتیکه در زمان پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) برخی از اهل بیت هم حضور داشته اند و با این وجود مشکلات زیادی در جامعه بر اساس سوره های مدنی وجود داشت. برخی خطاب ها آن قدر شدید است که حتی ممکن است ما خیلی از آنها را اصلا ندیده باشیم. زمانی که وصف منافقین را می کند و یا از کارشکنی های آنها می گوید خیلی وقت ها به این شکل چنین چیزهایی را در جامعه خود ندیده ایم. مثلا سوره نور «وَلَا تُكْرِهُوا فَتِيَانِكُمْ عَلَىٰ الْبِغَاءِ إِنِ ارْدْتُمْ تَحَصُّنًا»<sup>۱</sup> می فرماید کنیزان خود را به کارهای زشت وادار نکنید، اگر اراده تحصن دارید. مگر کسی کنیزش را به خلاف دعوت می کرده است؟! بله حتما بوده که چنین گفته شده است. سوره های مدنی از این جهت سوره های عجیبی است. مگر می شود پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) در بین کسانی باشند که چنین هستند! یا آنچه در سوره حجرات گفته

<sup>۱</sup> سوره مبارکه نور آیه ۳۳

می‌شود که بروند و پشت دیوار رسول را صدا بزنند. خواندن این سوره‌ها برای کسانی که فکر می‌کنند جامعه دینی باید همه چیزش عالی باشد، خیلی خوب است.

۲. از سوی دیگر محاسنی دارد که خداوند اعلام می‌کند تشکیل حکومت دینی چقدر می‌ارزد. اینکه چقدر می‌ارزد خیلی مهم است. آنقدر می‌ارزد که عده‌ای منافق شوند! در کتاب «حکومتی که ارزشش را داشت»<sup>۲</sup> خطابه‌های نهج البلاغه را بررسی کرده‌اند و اتفاقاتی که در کوفه افتاده است را ذکر کرده و در نهایت اثبات کرده است که با اینکه امیرالمومنین علی (علیه السلام) مظلوم بود اما آن حکومت با همه نقاط ضعفش خیلی ارزش داشت. ارزشش را داشت که این همه اتفاقات برای آن بیفتند.

۳. اینکه چرا باید یک حکومت اینقدر ارزش داشته باشد که معادلات را بهم بزند، حتی اگر به اهداف ظاهری هم نرسد، ذکر می‌شود. از سوره‌های مدنی متوجه می‌شویم حکومت‌هایی که بر اساس دین تشکیل می‌شوند، به طور طبیعی نظام مسائل زندگی انسان را متعدد و متنوع می‌کنند و این منجر می‌شود زندگی انسان قدرت دریافت اسماء الهی را بیشتر داشته باشد. رزق اسمائی بیشتر می‌شود و به همین دلیل هم رزق اسمائی سوره‌های مدنی نسبت به سوره‌های مکی، خیلی بیشتر است.

## بررسی آیات

### انواع مسائل

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكُمْ إِن كُنْتُمْ تُرِيدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأَسْرَحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا (۲۸)

برخی از مسائل مانند مسائل ازدواج هم تابع مسائل عرفی هستند و هم تابع مسائل شرعی. برخی از مسائل مانند نماز فقط تابع مسائل شرعی هستند. برخی از احکام فقط تابع احکام عقلی هستند مانند ادای امانت. که اگر شرع هم نمی‌گفت باید بر اساس انسانیت اجرا می‌شد. نوعاً احکام عرفی خالص نداریم.

اگر افراد بحث ازدواج را بگویند در اسلام بنا بر نظر شیعه و سنی، تعدد زوجات امکان‌پذیر است پس تعدد زوجات را مثلاً بنا به رتبه‌بندی که مثلاً در کشورهای عربی صورت گرفته است، ترویج کنیم. اگر جامعه به سمت تعدد زوجات رفته باشد، مجوز آن داده شده است اما ضرورت اجرای آن بستگی به عرفی دارد که در جامعه ایجاد می‌شود و وحدت جمعی را حفظ می‌کند. احکام شبیه این موضوع، تعدادش کم نیست و باید آن عرف و وحدت جمعی لحاظ شود.

<sup>۲</sup> کتاب «حکومتی که ارزشش را دارد» نوشته کاظم رجبلی از انتشارات قرآن و عترت (ع)

آیاتی که در مورد تعداد همسران پیامبر است از عرفی می‌گوید که هم اکنون هم موجود است و بر اساس آن هم زندگی می‌کنند. این موضوعات را باید بر اساس ظرفیت اقلیمی زمان خودش مطالعه کرد. نمی‌توان گفت چون آن زمان اینگونه بود، ما هم چنین کنیم. نیاز به عرف هم دارد. آنچه در زمان پیامبر اتفاق افتاده است، انحرافی است که در همین عرف صورت گرفته است. یعنی ازدواج می‌کند اما حق او داده نمی‌شود و عدالت برقرار نمی‌شود و آیات بعدی ناظر بر این موضوع است.

وَإِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالِدَارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا (۲۹)

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مَبِينَةٍ يَضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۳۰)

پیامبر بشری است مثل بقیه، عرف را می‌پذیرد و تعدد زوجات دارد و ممکن است با کسی ازدواج کند که سطحش هم خیلی بالا نیست و حتی ممکن است شباهات واضحی داشته باشد. آیه می‌گوید اگر نساء نبی، فاحشه مبینی داشتند دو تا چوب می‌خورند، یکی به خاطر اشتباه خودشان و یکی هم به خاطر اینکه جایگاه پیامبر را خراب کرده‌اند. از این استفاده می‌شود که هر جایی که انسان اعتباری با مقام دینی پیدا کرد، این ارتباط حقی می‌آورد مثل حق الناس، در این صورت هر گناه فرد، ایجاد دو جزا می‌کند؛ یکی به خاطر گناه انجام شده و یکی هم به خاطر اعتباری که از آن فرد کاسته شده است.

### گزاره‌های یقینی

وَمَنْ يَفْعَلْ مِنْكُمْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا (۳۱)

از بحث‌هایی که قرآن همیشه گوشزد می‌کند این است که زمانی که موضوعی را مطرح می‌کند تا جایی که می‌شود حالت مقابل آن را نیز مطرح می‌کند. اگر مثلاً اعلام می‌کند کسی که نسبتی با پیامبر دارد خطایش دوبار جزا دارد، از آن سو می‌گوید کار خوبش هم جزایش بیشتر است و این از خاصیت بیان قرآن است از این جهت که یقین به این واسطه در جامعه گسترش می‌یابد.

مثلاً اینکه خداوند می‌فرماید «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ»<sup>۳</sup> برای شما یسر را اراده کرده است و نه عسر را. می‌تواند یکی را بگوید. از این تعبيرات در قرآن زیاد است. این مدل گفتگو، باعث زیاد شدن گفتگوهای یقینی

<sup>۳</sup> سوره مبارکه بقره آیه ۱۸۵

در جامعه می‌شود و باید یاد بگیریم که از این نوع گفتگوها در محاورات خود استفاده کنیم. مثلاً بگوییم، من نمی‌خواهم شما را به زحمت بیندازم، می‌خواهم موجب رحمت شما شوم. اگر بتوانیم با این مدل صحبت کنیم خیلی ایجاد کننده یقین است و نوع گفتگوهای ما را به سمت عاطفی می‌برد. اینکه کجاها می‌توان چنین گفتگوهایی داشت را باید پیدا کرد. در تشویق‌ها و تنبیه‌ها هم می‌توان از این موارد استفاده کرد. در واقع خداوند در لابلای این آیات به نوعی تعاملات اجتماعی را یاد می‌دهد. مثل آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» با اینکه خدا در قرآن مختصر گو است اما در این موارد اختصار ندارد.

ما برای شما یسر را اراده کرده‌ایم، پس عسر را اراده نکرده است و با اینکه معلوم است، باز همین را می‌گوید! مثل این است که بگوییم من فلان کار را تا ساعت ده انجام می‌دهم و اینگونه نیست که تا ده آن کار را انجام ندهم. وقتی چنین گفته شود دیگر امکان فرار از آن نیست. ورود به گزاره‌های یقینی است و برهان‌سازی ایجاد می‌کند.

برهان در قرآن به معنای استدلال نیست بلکه به معنای چنین جملاتی است و این موضوع در ادبیات ما خیلی لازم است. در مورد بچه‌ها این نوع گفتگو کاربرد زیادی دارد. این ادبیات اگر انسان بتواند آن را بیاموزد، خیلی خوب است. من می‌خواهم خوب باشم و نمی‌خواهم بد باشم. این جمله دو تا توجه می‌آورد، یکی به خوب بودن و یکی به بد نبودن. دلم می‌خواهد خوش قول باشم و دلم نمی‌خواهد بدقول باشم. این دو طرفه گفتن است که انسان را به سمت شدن می‌برد. توکی و تبری است. پذیرش و نفی است با دو جمله مثبت. در سوره از این منطقی زیاد استفاده می‌شود.

### خیانت همسران رسول اتفاق نیفتاده است

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا (۳۲)

اهل بیت (علیهم السلام) برای اینکه ذهن افراد با خواندن این آیات به جاهای بدی نرود، خیال همه را راحت کرده‌اند و فرموده‌اند که در بین همسران رسول هیچ پیامبری نبوده است که آن همسر خیانت به پیامبر بکند. ممکن است مثل همسران حضرات نوح یا لوط (علیهم السلام) با گناه کارها داد و ستد داشته باشند اما خیانت نکرده‌اند. خیانت در هیچ‌یک از زنان پیامبران گزارش نشده است. خیانت‌های مربوط به مسائل خانوادگی رخ نداده است. در آیه ۳۲ فرض را محال نمی‌داند و این از مصادیق بروز خیانت است که فرض آن را محال نمی‌داند.

## جاهلیت و خروج از آن

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (۳۳)

ممکن است همسر پیامبر اقامه صلوه نکند و زکات ندهد و اطاعت خدا و رسول را نکند.

از نکاتی که در سوره وجود دارد بحث انتساب‌هایی است که آمده است. هر کدام از همسران پیامبر از قبیله‌ای بوده‌اند و هر بی‌تدبیری از سوی این زنان می‌توانسته ایجاد عارضه و آسیبی برای قبایل آنها کند و این‌ها خیلی خطرناک بوده است. باید نسبت‌ها را رعایت کرد. نباید ذهنیت افراد را نسبت به شأن و لباسی مخدوش کرد.

از این بحث «لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ» مشخص می‌شود که دو جاهلیت وجود داشته است؛ یکی جاهلیت اولی و دیگری غیر از این که در سوره مائده به آن پرداخته خواهد شد. اینکه کسی همسر پیامبر هم بشود اما از جاهلیت خارج نشود، یک فرض است. نزدیک‌ترین رابطه‌ای که کسی می‌تواند داشته باشد رابطه همسری است و رابطه همسری هم نمی‌تواند انسان را از جاهلیت اولی خارج کند بلکه اقامه صلوات و ایتاء زکات و اطاعت از خدا و رسول است که می‌تواند انسان را جاهلیت خارج گرداند. کسی از نسبت‌هایش با عارفی یا عالمی فریب نخورد. ممکن است اقتضائاتی ایجاد کند اما لزوماً باعث برطرف شدن جاهلیت نیست.

«وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» امر به خود همسران است.

واژه «نساء» اعتبار اجتماعی دارد. مثل اینکه بگویند همسر پیامبر است، بانوی پیامبر است. در چشم دیگران مهم است اما وقتی ازدواج می‌گوید در روابط همسری است. نساء چون شأنیت اجتماعی دارند میل به حضور اجتماعی دارند در حالیکه قرار گرفتن در بیوتشان است که آنها را بزرگ می‌کند و به آنها شخصیت می‌دهد. نساء بودن با قرار گرفتن در خانه منافاتی ندارد بلکه آنها را نساء تر و بزرگ‌تر می‌کند. بالعکس اگر تبرج کنند و سر و صدایی کنند، برای آنها بدتر می‌شود. این آیه قطعاً راجع به همسران پیامبر است.

برای دیدن تبرج باید دید که در زمان پیامبر اگر کسی رئیس قبیله‌ای می‌شد برای خانواده او و بالاخص همسر او چه اتفاقی می‌افتد و چه ظهور و بروزاتی برای آنها شکل می‌گرفت. باید ابتدا این مفهوم در زمان خودش فهم شود. بعد

به زمان حال آورده شود. این آیات از آیات مشکل قرآن است و خیلی‌ها در مورد آن به چالش افتاده‌اند. فعلا همین مقدار برای ما کفایت می‌کند.

ساختار ذهنی و فکری انسان مختص خود او است و حتی رابطه همسری با معصوم تا وقتی که خود او نخواهد، او را آدم نخواهد کرد و این همنشینی اثری ندارد.

### اهل البیت

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً

اگر کسی به سیاق این آیه نگاه کند اصلاً امکان ندارد این آیه در مورد غیر از اهل بیت (علیهم السلام) باشد. برای این افراد اصلاً فرض مخالفت وجود ندارد. از آیات قبلی خارج می‌شوند و کسانی که مشمول آیات قبل هستند در این آیات وارد نمی‌شوند. این آیه در تعداد مشخصی مصداق دارد و اسم این افراد را اهل البیت گذاشته است. در قرآن در دو جا آمده است. همسر حضرت ابراهیم (علیه السلام) حضرت ساره که مادر همه موحدین عالم هستند<sup>۴</sup> و از اشتباهاتی که وجود دارد حرف‌هایی است که در مورد ایشان گفته شده است. اگر کسی بخواهد مقام عصمت اهل بیت (علیهم السلام) را بفهمد باید مقام عصمت انبیاء (علیهم السلام) را بفهمد. در غیر اینصورت مقام عصمت اهل بیت (علیهم السلام) که خیلی مقام بالایی دارند را نخواهد فهمید. خیلی وقت‌ها لازم است در توسلات به حضرت ساره و سایر انبیاء (علیهم السلام) متوسل شد.

این آیه جزء معدود آیاتی است که روایات متواتری دارد و از این جهت شبیه به خطبه غدیر است.

اگر در بحث اینکه این آیه در مورد زنان پیامبر هم هست دچار چالش شدیم، بهترین حالت این است که بگوییم در مورد همه است. هم امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه و هم زنان پیامبر. در این صورت ما که چیزی از دست نمی‌دهیم اما شما از دست خواهید داد چون حرمت این بزرگوران را نگه نداشتید و باید پاسخگو باشید. و البته این شبیه اتفاقی است که برای رسولان در سوره یس رقم می‌خورد. زمانیکه کفر در کسی نهادینه شود خیلی بی‌انصاف می‌شود و اغلال جلوی او را می‌گیرد و دیگر نمی‌تواند ببیند. این افراد می‌گویند اگر شما دست برنداشتید شما رجم می‌شوید. خوب او را بیرون کنید، دلیل رجم چیست؟! اینکه در این آیه زنان پیامبر را وارد می‌کنید اشکالی ندارد اما چرا اهل

<sup>۴</sup> سوره مبارکه هود آیه ۷۳ (قَالُوا أَعْجِبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ)

بیت (علیهم السلام) را خارج می‌کنید؟! اتفاقاً با این وارد کردن مشکلی نداریم. چون طبق ادب سوره می‌گوییم زنان پیامبر، مادران ما هستند و باید مقام مادر را حفظ کرد.

### رجس و رجز

طبق تفاسیر رجس به معنای مطلق پلیدی است. رجز و رجس داریم. برای فهم هر کدام به دیگری نیاز داریم. «رجز» را در سوره مبارکه انفال گفته است و «رجس» را در این سوره. «رجز» اضطراب‌ها و بهم ریختگی‌هاست و اینکه یک مرتبه انسان کم می‌آورد. «رجس» هرگونه چیزی که مانع فعال‌سازی عقل و رجوع به عقل شود و نداشتن هرگونه چیزی به نام میل به گناه. در واقع معادل عصمت داشتن است. طهارت در قرآن با سیاق «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ» می‌آید که می‌شود عصمتی که به واسطه مطلق عقل در فرد جاری می‌شود که این عقل در او هیچ وقت خاموشی ندارد.

### قول معروف

قُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا (۳۲)

انحرافات که در زمینه‌های غریزی شکل می‌گیرد از قول شروع می‌شود. البته اولش دیدن است، بعد قول. در واقع قول استمرار رویت است. یعنی اگر یک نفر ببیند و بعد گفتارش را کنترل کند به تقوا نیاز دارد. حوزه مسائل نامحرم اگر رعایت نشود و به گونه‌ای حرف زده شود که چراغ سبز نشان داده شود برای انحراف یعنی آغاز انحراف. بر روی این موضوعات باید حساسیت‌های مان بیشتر شود.

### طیب و طهارت

طیب ملایم با فطرت است. غذای ملایم با فطرت غذایی است که حلال است و طبع انسان با آن سازگار است و ضرر ندارد. طیب واژه وسیعی است و برای انسان و اشیاء به کار می‌رود اما طهارت مخصوص انسان است و در حوزه ایمان کاربرد دارد. واژه انحصاری انسان است در حوزه ایمان. کسی که طهارت دارد یعنی پاکی از شرک و کفر دارد. در زیارت جامعه می‌گوییم «طیباً لخلقنا...» یعنی ولایت شما را مخصوص ما کرد تا خلق ما را طیب کند. اینکه خوش‌جنس باشیم و موالید خوبی داشته باشیم «و طهارتاً لنفسنا»، در اینجا طهارت را به حوزه ایمان و ایمان-داری وارد می‌کند. اعتماد به غیر خدا نداشته باشد و دون الله در وجودش نباشد. یک زمان کسی به خاطر امر خدا

کاری را انجام می دهد که لازم است چنین کند و برایش واجب است و زمانی طهارت، عطای خدا می شود به کسی و او مجتبی و مصطفی می شود. در واقع تطهیر جوهره اصطفاست. تطهیر مقدمه اصطفاست و تا تطهیر نباشد اجتناب و اصطفاء وجود ندارد.

این ها شاخصه هدایت و سرمایه انسان می شود. انسان نیاز به سرمایه دارد و ما خیلی سرمایه داریم، چون انسان هایی را داریم که به دست خود خدا تطهیر شده اند و اگر چنین سرمایه ای را نداشتیم حتما در مسیرمان یا ضال بودیم و یا مغضوب بودیم. در واقع در حکم صراط هستند. تطهیر شدن اهل بیت (علیهم السلام) سرمایه من است و حکمی که از جانب او به من می رسد و برای من سرمایه می شود.

مشکل هدایت نشدن به خاطر اراده نکردن برای هدایت است و گرنه همه آنچه برای هدایت لازم است، مهیاست.

جمله های معترضه در قرآن جمله های غرض هستند یا بخشی از غرض هستند یا همه غرض.

وَ اذْکُرْنَ مَا یُتْلٰی فِیْ بُیُوتِکُنَّ مِنْ اٰیَاتِ اللّٰهِ وَ الْحِکْمَةِ اِنَّ اللّٰهَ کَانَ لَطِیْفًا خَبِیْرًا (۳۴)

این آیه فضای خیلی متفاوتی با آیات قبل دارد. یاد کنید در خانه های خود از قرآن. لطفا بیوت خود را محل ذکر و تلاوت آیات قرار دهید. «ما یُتْلٰی..» آیتی است که پیامبر در جامعه عمل کرده است و این افراد باید به آن دلالت عملیاتی آیات اشاره کنند.

وظایف زنان در خانه می شود «وَ اذْکُرْنَ مَا یُتْلٰی فِیْ بُیُوتِکُنَّ مِنْ اٰیَاتِ اللّٰهِ وَ الْحِکْمَةِ» همه از جاهلیت اولی فاصله گرفته اند و به «مایتلی» رسیده اند. و این دستورالعمل هایی است برای تأسی به این افراد.

انشاء الله خداوند به ما محبت افرادی که طهارت دارند را عطا کند. محبت داشتن به انسان های طاهر، ما را پاک می کند و همینطور نزدیک شدن و محبت داشتن به افراد خبیث، میل به گناه را در انسان ایجاد می کند.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات